20375 ـ طرق صوفیه و حکم پیوستن به آنان

سوال

در میان طرق صوفیه، طریقه‌ای هست که سیاریا (syari'a) طریقت، حقیقت، معرفت، نام دارد. آیا این درست است که پیامبر ـ صلی الله علیه وآله وسلم ـ این طرق را با همان معنایی که نزد صوفیان می‌دهد به یارانش یاد داده است؟

پاسخ مفصل

الحمدلله.

این را باید بدانیم که صوفیه نام خود را از صوف یعنی پشم گرفته، نه چیز دیگر.

شیخ الاسلام ابن تیمیه ـ رحمه الله ـ می‌گوید: «نام صوفیه منسوب به لباس صوف (پشمی) است، و این [نظریه] صحیح است. برخی گفته‌اند: [صوفیه] مسوب به صفوة الفقهاء است، و گفته‌اند: منسوب به صوفة بن أد بن طانجه است، که قبیله‌ای از عرب بودند و به عبادت، معروف بودند. برخی نیز گفته‌اند: منسوب به اهل صُفه است، و برخی گفته‌اند: منسوب به صفا، یا صفوه است.

همچنین گفته شده نام خود را از صف اولی که در برابر خداوند قرار می‌گیرند، گرفته‌اند. اما همه‌ی این اقوال ضعیف است، زیرا اگر چنین بود باید صُفی یا صفایی یا صفوی یا صَفی نامیده می‌شدند، نه صوفی.» (مجموع الفتاوی: ۱۱/ ۱۹۵).

تصوف پس از سه قرن نخست ظهور یافت. سه نسلی که رسول الله ـ صلی الله علیه وسلم ـ آن را چنین توصیف نموده است: بهترین نسل‌ها، نسل من است؛ سپس کسانی که پس از آن‌ها می‌آیند، سپس کسانی که پس از آن‌ها می‌آیند. (به روایت بخاری (۲۶۵۲) و مسلم (۲۵۳۳) از ابن مسعود رضی الله عنه).

شیخ الاسلام ابن تیمیه می‌گوید: «اما لفظ صوفیه در سه نسل نخست شناخته شده نبود، بلکه پس از آن درباره‌اش سخن گفتند.» (مجموع الفتاوی: ۱۱/ ۵).

این طریقه و دیگر طرق همانند آن، از طریقه‌های نوساخته‌ی مخالف با کتاب و سنت و روش نسل‌های نیک هستند، و هر شیخی برای طریقه‌ی خود ورد و حزب و روشی خاص در عبادت ساخته تا خود را از دیگران متمایز سازد، که این کار خلاف شرع، و باعث تفرقه‌ی صف مسلمانان است.

این در حالی است که الله متعال با کامل ساختن این دین و تمام گرداندن نعمتش بر امت منت نهاده است، بنابراین هر کس عبادت و طریقتی بیاورد که در شرع نیامده، سخن پروردگار را تکذیب نموده و پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ را به خیانت [در امر ابلاغ]، متهم کرده است.

همینطور ممکن است بدعت آنان با دروغ نیز همراه باشد، آنطور که برخی از آنان ادعا می‌کنند طریقه‌ی خود را از پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ گرفته‌اند، یا روش آنان بر اساس راه و روش خلفای راشدین است.

از علمای کمیسیون دائمی فتوا پرسیده شد:

آیا در اسلام طرق مختلفی همانند طریقه‌ی شاذلیه و طریقه‌ی خلوتیه و دیگر طرق وجود دارد؟ و اگر چنین چیزی وجود دارد، دلیلِ آن چیست؟ و معنی سخن حق تبارک و تعالی چیست، که می‌فرماید:

وَ أَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيماً فَاتَّبِعُوهُ وَلاتَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ [انعام: ۱۵۳]

(و این است راه راست من، پس از آن پیروی کنید و از راه‌ها [ی دیگر] که شما را از راه وی پراکنده می‌سازد، پیروی مکنید. اینهاست که [الله] شما را به آن سفارش کرده است، باشد که به تقوا گرایید).

و همچنین، معنای این سخن پروردگار متعال:

وَ عَلَى اللَّهِ قَصْدُ السَّبِيلِ وَ مِنْهَا جَائِرٌ وَ لَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ. [نحل: ۹]

(و نمودن راه راست بر عهده‌ی الله است، و برخی از آن [راه‌ها] کژ است؛ و اگر [الله] می‌خواست، مسلما همه‌ی شما را هدایت می‌کرد).

راه‌های گوناگون چه هستند، و راه الله کدام است؟ در ضمن معنای این سخن رسول الله ـ صلی الله علیه وسلم ـ که ابن مسعود ـ رضی الله عنه ـ روایت کرده چیست؟ آنجا که خطی [بر زمین] کشید، و فرمود: این راه هدایت است. آنگاه از سمت راست و چپ آن، خطوطی دیگر کشید، و فرمود: این‌ها، راه‌ها [ی ضلالت] است که بر هر یک شیطانی است، و به آن فرا می‌خواند.

اعضای کمیسیون دائم چنین پاسخ دادند:

«هیچیک از این طریقه‌ها، و همانند آن در اسلام جایی ندارد. آنچه در اسلام هست، چیزی است که این دو آیه و حدیثی که ذکر کردید، به آن اشاره دارد، و همچنین این سخن رسول الله ـ صلی الله علیه وسلم ـ که فرمودند: یهودیان به هفتاد و یک فرقه متفرق شدند، و نصرانیان به هفتاد و دو فرقه پراکنده گردیدند، و امت من [نیز] به هفتاد و سه فرقه پراکنده می‌شوند؛

همه در آتش است، جز یکی. گفتند: آن [گروه] کدام است؟ فرمود: هرکه بر [راهی] باشد، مانند آنچه امروزه من و یارانم بر آن هستیم.

و این سخن رسول الله ـ صلی الله علیه وسلم ـ که می‌فرماید: همچنان گروهی از امت من، بر [راه] حق پیروز [و سربلند] می‌مانند و ترکِ یاری آنان توسط دیگران، و مخالفتشان زیانی به آنان نمی‌رساند، تا آنکه امر پروردگار (قیامت) سر رسد، در حالی که آنان، بر همان [راه] باشند. و حق یعنی پیروی از قرآن کریم و سنت صحیح صریح نبوی، که همان راه الله و صراط مستقیم، و مسیر درست است، و همان خط راستی است که در حدیث ابن مسعود به آن اشاره شده است، یعنی راه اصحاب رسول الله ـ صلی الله علیه وسلم ـ که خداوند از آنان و از پیروانشان که سلف امت هستند و کسانی که روش آنان را در پیش گیرند، راضی و خشنود باد.

اما دیگر راه‌ها و فرقه‌ها همانی است که الله سبحانه و تعالی چنین به آن اشاره نموده است:

وَلاتَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ [انعام: ۱۵۳]

(و از راه‌ها [ی دیگر] پیروی نکنید، که شما را از راه وی، پراکنده می‌سازد).

(فتاوى اللجنة الدائمة: ۲/ ۲۸۳ ـ ۲۸۴)

والله اعلم